

## پاهایی که با نامه رفتند!

ثنا امسال راهی کرپلا بود. پدرش اصرار داشت تمام خانواده را در این سفر همراه خود ببرد و این اصرار آن قدر جدی

هدی برهانی

آموزگار

بود که مقاومت مدیر مدرسه را در برابر غیبت‌های ثنا می‌شکست. توی مدرسه ما ثنا تنها دانش‌آموزی بود که برای پیاده‌روی اربعین می‌رفت. بنابراین بچه‌ها توجه ویژه‌ای به او داشتند. خودش هم به خوبی متوجه این حساسیت‌ها شده بود و سعی می‌کرد تا جایی که می‌شود هیچ چیزی از زمان رفتن و کیفیت سفرش نگوید. يك جور پرده‌پوشی کودکانه. کمی از سر خجالت و الباقی برای مشتاق‌تر کردن بچه‌ها به پرسیدن.

این ایام، ثنا شمع می‌بود که هم‌کلاسی‌هایش دورش می‌گشتند. يك عده از او درباره راه می‌پرسیدند، بعضی باور نمی‌کردند که او سه روز پیاده‌روی کند، شکموها درباره غذاها کنجکاوی می‌کردند و بعضی‌ها هم از شوقشان برای تجربه این سفر می‌گفتند.

درست مثل حال و روز این روزهای همه ما که سیل پیام‌ها و عرض دلتنگی‌ها را همراه مسافران کرپلا می‌کنیم. برای آن‌که اگر جسم‌مان اینجا در ایران ماند، لااقل قلبمان به کرپلا برسد.

دو روز به رفتن ثنا مانده بود. بحث و حرف‌ها درباره «پیاده‌روی اربعین» بین بچه‌ها خیلی داغ شده بود. آن قدر که آخر سر، یکی دو نفری به گریه افتادند. شاید برای من این گریه هنوز باورپذیر نبود. حس می‌کردم از سر حسادت یا برای جلب توجه است. شاید هم واقعا همین طور بود، اما هرچه بود به عنوان معلم کلاس باید برای جمع‌شدن این غائله فکری می‌کردم.

توی کتابخانه دنبال يك کتاب خوب می‌گشتم، کتابی درباره امام حسین (ع) کتابی که بتوانم به ثنا امانت بدهم تا با خود به سفر کرپلا ببرد. آن را در فرصت‌های بین راه بخواند و امامی که زیارت خواهد کرد را بهتر بشناسد. «مهمان کوچک» همان چیزی بود که دنبالش می‌گشتم. داستان‌های کوتاه و کودکانه از خوبی‌های بی‌شمار امام حسین (ع). کتاب را برداشتم و ظهر، موقع تعطیلی، کتاب را به همراه يك التماس دعا با ثنا راهی کردم.

در میان صفحات کتاب، کاغذی جا خوش کرده بود که دور تا دورش با نقاشی گل‌های رنگی کچ و معوج و پرچم‌های یا حسین تزئین شده بود. کاغذی که حامل پیام‌های مهمی بود. از التماس دعاها و حلال‌کن‌هایی که به تقلید از بزرگ‌ترها نوشته شده بودند، تا جمله‌هایی که دل آدم را می‌لرزاند. مثل آن جمله‌ای که از دختر سه ساله امام در آن نوشته بود. همان که می‌گفت کاش پاهای من هم در راه کرپلا مثل رقیه (س) تاول بزند. راستی باید باور می‌کردم که بچه‌هایم این چیزها را می‌فهمند؟ شاید هم آن کسی که نمی‌فهمید خودم بودم.... با نوشتن نامه غائله اشک‌ها خیلی راحت تمام شد. انگار همه ۲۵ دانش‌آموزم، دل‌هایشان را لایه‌لای کلمات پنهان کرده بودند و با ثنا به کرپلا فرستاده بودند.

همانجایی که دل بیش از همیشه آرام است. [

## مروری بر کتاب «پری‌دخت» اثر حامد عسکری که به چاپ بیستم رسیده است

# عاشقانه‌های ۵۰۰۰ کیلومتری



سال‌هاست که کسی برای احوال‌پرسی یا خبر دادن از حال و روز خود به شخصی در نقطه‌ای دیگر، نامه نمی‌نویسد. اصلا نمی‌دانیم این اتفاق خوبی است یا نه، ولی در هر صورت

فاطمه اسماعیلی

روزنامه‌نگار

گسترش فناوری سبب شده نامه‌نگاری هم کاهش پیدا کند و دیگر کسی برای پرسیدن حال دوستش یا دادن خبر رسیدن به مقصدی نامه ننویسد و کلمات را پشت هم ردیف نکند.

در ابتدایی‌ترین حالت گوشی تلفن را برمی‌دارد و شماره مورد نظرش را می‌گیرد و با فرد مورد نظر حتی در دور دست‌ترین نقطه زمین حرف می‌زند. ایمیل زدن (همان نامه الکترونیکی) و استفاده از نرم‌افزارهای پیام‌رسان هم ابزارهای دیگری هستند که در این میان زمینه ارتباط‌های سریع و آسان را فراهم کرده‌اند و بشر را از نوشتن روی کاغذ و پاکت کردن و تمبر چسباندن تجات داده‌اند که این را باید در کنار امکانات تماس تصویری به واسطه همین پیشرفت‌های تکنولوژیک ارتباط قرار داد که سبب می‌شود این فاصله‌ها تا حدود زیادی از میان برداشته شود، در حالی که در زمان‌های نه خیلی دور يك نامه در داخل يك کشور در بهترین حالت چند روز زمان می‌برد تا به دست فرد مورد نظر برسد! فاصله میان کشورها که زمان بیشتری می‌شد و گاهی نامه در این بین گم می‌شده و سال‌ها بعد به دست گیرنده می‌رسید که نمونه‌های این اتفاق را شنیده یا دیده‌ایم.

حالا در این بین قالب نامه‌نگاری قالبی ادبی است که بسیاری تلاش می‌کنند در این قالب اثرشان را برای مخاطب آماده و تدوین کنند. در واقع این قالب امکاناتی در اختیار نویسنده قرار می‌دهد که می‌توانند بهتر ایده خود را پیاده کنند و در تاریخ ادبیات ایران و جهان نیز این قالب نمونه‌های بسیاری به خود دیده است. حامد عسکری در اولین اثر منثور که از خود به جا گذاشته سراغ این قالب رفته و خواننده‌اش را در موقعیت نامه‌نگاری‌های يك زوج عاشق قرار داده است؛ زوجی که فاصله زیادی با هم دارند، ولی به واسطه این نامه‌ها درد دوری و فراق را کم می‌کنند.

تهران تا پاریس فاصله‌ای بیش از ۵۰۰۰ کیلومتری دارند و سید محمود قصه حامد عسکری در «پری‌دخت» برای معشوقش از حال و روز خود می‌نویسد و حرف می‌زند و این کاغذها این فاصله را طی می‌کنند و به دست گیرنده می‌رسند. نامه‌هایی که در روزگار قاجار رد و بدل می‌شود و پری‌دخت از اتفاقاتی که می‌بیند حرف می‌زند و سید محمود هم اتفاقات را گزارش می‌کند.

نثر برجسته‌ترین ویژگی کتاب عسکری است. او در این کتاب تلاش کرده تا نثر و زبان دوره قاجار را در اثرش پیاده کند. اتفاقی که باید گفت در آن موفق بوده و توانسته از پس این کار دشوار برپاید. «تصدقت کردم! پری‌دخت جان! بعد از سلام. امروز سه روز است که در پاریس یا به قول خودشان «پغیس»، رحل اقامت افکنده‌ام و قرار است بعون!... و منته، همان‌گونه که ذکرش رفت، درس طبابت بخوانم. اقامتگاه‌مان عمارتی است در حوالی فاکولته طب که تمهیداتی به قاعده دارد و اسباب معاش در مقبول و مطبوع مهیاست. کتابخانه‌ای معظم و

مفصل هم در جنب همین عمارت است که اوقات فراغت بال را در آن می‌گذاریم؛ اما مگر خاطر عاطرتان می‌گذارد. جامه‌دان را که باز می‌کنم، عطر وطن را انگار هنوز دارد. و آه از عطرها که با این غریب دور افتاده از وطن، چه‌ها خواهد کرد...»

پری‌دخت در مدت کوتاهی که از انتشار و رونمایی آن می‌گذرد توانسته رکورد فروش جالبی از خود به جا بگذارد و در کمتر از ۹ ماه به چاپ بیستم برسد که نشان می‌دهد توانسته توجه مخاطبان را به خود جلب کند.

عسکری در این کتاب تنها به روایت مغالزه‌های عاشقانه يك زوج جوان، دست نزده، بلکه روایتش از مسائل اجتماعی و سیاسی روز دور نیست و خواننده در حاشیه این نامه‌ها متوجه اتفاقاتی نظیر مشروطیت و... می‌شود. او حتی تلاش کرده روحیه سید محمود را نیز در اثرش نشان دهد و او را از بسیاری از روشنفکران فرنگ رفته آن روزگار متمایز کند و تصویری از او نشان دهد که امتداد او را در سال‌های دفاع مقدس نیز شاهد بودیم. کسانی که در خارج مشغول تحصیل بودند، ولی در هنگامه جنگ، دفاع از وطن را بر هر امری مقدم شمردند و در جبهه‌ها حضور یافتند.

کتاب پری‌دخت با وجود این که در قالب نامه‌نگاری عرضه شده، اما در همین نامه‌ها خواننده نگاه ریزبین نویسنده را به خوبی لمس می‌کند و متوجه دقت او می‌شود. نویسنده در واقع سعی کرده پا را از نامه‌هایی که تنها گزارشی از شرح حال است، فراتر بگذارد و اثری خلق کند که خواننده بتواند با هر نامه موقعیت‌ها را در ذهنش تداعی و بازسازی کند.

عسکری در این کتاب کوشش کرده با استفاده از نامه‌ها فضا سازی کند و کسانی که آثار نامه‌نگاری را خوانده باشند، می‌دانند که در آوردن این نکته کار راحتی نیست. در مجموع کتاب پری‌دخت اثر حامد عسکری که نشر قبسات آن را منتشر کرده اثری است که نشان داد قالب نامه‌نگاری ظرفیت‌های زیادی در خلق ادبی دارد و مخاطبان نیز به آن اقبال نشان می‌دهند و در صورتی که از این ظرفیت درست استفاده شود می‌تواند آثار متفاوتی را برای علاقه‌مندان به ادبیات فراهم کند. [



نثر برجسته‌ترین ویژگی کتاب عسکری است. او در این کتاب تلاش کرده تا نثر و زبان دوره قاجار را در اثرش پیاده کند. اتفاقی که باید گفت در آن موفق بوده و توانسته از پس این کار دشوار برپاید